

یکپارچه‌سازی بازتاب‌های اولیه از طریق بازی و تمرین

راهنمای عملی و فعالیت‌محور برای یکپارچه‌سازی
بازتاب‌محور و برای والدین، آموزگاران
و ارائه‌دهندگان خدمات تخصصی

کوکب مک‌دونالد

مترجمان:

دکتر ایوب صباجی

عضو هیات علمی دانشگاه رازی

آیدا رضایی، فاطمه دریانورد، دینا اعتصام

مریم جعفری، ساحل گلپارانی

ویراستار علمی:

دکتر ایوب صباجی

فهرست

۱۳	بازتاب‌های اولیه چیست؟
۱۷	فصل ۱: مزایای بازتاب‌ها
۲۱	فصل ۲: الف) بازتاب مورو چیست؟
۲۴	ب) مزایای بازتاب مورو
۲۵	ج. بازتاب مورو حفظ‌شده (باقی‌مانده): علائم و رفتارها
۲۸	فصل ۳: ارزیابی و غربالگری (پایش تشخیصی)
۳۳	آزمون غربالگری از طریق تمرین ستاره دریایی
۳۶	فصل ۴: الف. برنامه‌ریزی درمانی و اقدامات مداخله‌ای
۳۷	ب. راهکارهای حمایتی
۳۹	ج. فعالیت‌های سازمان‌یافته جهت یکپارچگی بازتاب مورو
۲۴۱	فصل ۵: توصیه‌ها و منابع تکمیلی
۲۶۱	واژه‌نامه
۲۷۱	درباره نویسنده

اهداییه

به همسر

از عشق، همراهی و حمایت همیشگی تو صمیمانه سپاسگزارم. حضور دلگرم‌کننده و پشتیبانی بی‌دریغت در تمام مراحل زندگی و مسیر حرفه‌ای‌ام، همواره برای من مایه قوت قلب بوده است. تعهد عمیق تو برای ایجاد تغییرات مثبت در جهان و تلاش مداومت برای بهبود زندگی دیگران، هر روز الهام‌بخش من است و انگیزه‌ای تازه به من می‌بخشد تا با امید، مسئولیت‌پذیری و پشتکار بیشتر در مسیر خدمت به کودکان و خانواده‌ها گام بردارم.

به والدین و مراقبان

این کتاب با احترام و قدردانی به تمامی والدین و مراقبان تقدیم می‌شود که از کودکان با نیازهای ویژه مراقبت می‌کنند. شما مسئولیتی بسیار بزرگ و گاه فراتر از توان معمول را بر عهده دارید؛ مسئولیتی که با عشق، صبر، پشتکار و ازخودگذشتگی آن را به دوش می‌کشید. بسیاری از شما هر روز تلاش می‌کنید تا بهترین فرصت‌های رشد، یادگیری و پیشرفت را برای فرزندان خود فراهم کنید، در حالی که گاهی حمایت‌های لازم برای خودتان و فرزندانتان به اندازه کافی در دسترس نیست.

مسیر همراهی با کودکانی که نیازهای ویژه دارند، می‌تواند در عین ارزشمند بودن، چالش‌برانگیز و فرساینده نیز باشد. امید من این است که این کتاب بتواند اندکی از دشواری‌های این مسیر را کاهش دهد و به‌عنوان منبعی کاربردی و قابل استفاده در زندگی روزمره به شما کمک کند. تمرین‌ها و فعالیت‌هایی که در این کتاب ارائه شده‌اند به گونه‌ای طراحی شده‌اند که بتوان آن‌ها را به سادگی در محیط خانه و در قالب بازی و تعامل با کودک اجرا کرد. هدف این است که والدین و مراقبت‌کنندگان بتوانند با اطمینان بیشتری در فرایند حمایت از رشد و تحول کودک خود مشارکت کنند. در این مسیر به یاد داشته باشید که شما تنها نیستید و تلاش‌های شما ارزشمند و اثرگذار است.

به آموزگاران

این اثر همچنین به آموزگاران و معلمان دلسوزی تقدیم می‌شود که نقشی بسیار مهم در زندگی و رشد کودکان ایفا می‌کنند. شما از تأثیرگذارترین افراد در تجربه‌های یادگیری کودکان هستید و می‌توانید با ایجاد محیطی امن، حمایتگر و پویا در کلاس درس، فرصت‌های ارزشمندی برای رشد شناختی، هیجانی، اجتماعی و حرکتی آنان فراهم کنید.

هدف اصلی من از نگارش این کتاب آن است که بتوانم ابزارها و راهکارهایی در اختیار شما قرار دهم تا ایجاد یک محیط آموزشی مؤثر و فراگیر برای همه کودکان آسان‌تر شود؛ محیطی که در آن هر کودک، با هر سطح توانایی و نیاز رشدی، فرصت مشارکت، یادگیری و پیشرفت را داشته باشد. خارج از محیط خانواده، معلمان بیشترین و پایدارترین تأثیر را بر روند رشد و تحول کودکان دارند و نقش آنان در شکل‌گیری تجربه‌های مثبت یادگیری بسیار تعیین‌کننده است.

به همکاران و ارائه‌دهندگان خدمات

در پایان، این کتاب را با احترام به همکاران کاردرمانگر و سایر ارائه‌دهندگان خدمات تخصصی تقدیم می‌کنم؛ افرادی که با تعهد، دلسوزی و تلاش مستمر برای پاسخ‌گویی به نیازهای کودکان، دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان فعالیت می‌کنند. شما هر روز با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌شوید و با وجود محدودیت‌ها و دشواری‌ها، همچنان با پشتکار برای بهبود کیفیت زندگی مراجعان خود تلاش می‌کنید.

در بسیاری از موارد، نتایج تلاش‌های حرفه‌ای ما ممکن است بلافاصله قابل مشاهده نباشد؛ با این حال، هر مداخله سنجیده، هر تمرین کوچک و هر گام حمایتی می‌تواند در مسیر رشد کودک تأثیری عمیق و ماندگار بر جای بگذارد. همکاری و همراهی با شما در این مسیر برای من افتخاری بزرگ بوده است و همین تجربه ارزشمند، انگیزه‌ای فراهم کرده تا همواره در جستجوی راهکارهای مؤثرتر برای پاسخ‌گویی به نیازهای مراجعان و

خانواده‌های آنان باشیم. باور دارم که با همدلی، همکاری و تلاش مشترک می‌توانیم تغییرات مثبت و معناداری در زندگی کودکان و خانواده‌هایشان ایجاد کنیم.

به‌عنوان یک والد شاغل، به‌خوبی می‌دانم که بازگشت به خانه پس از یک روز کاری پرمشغله و سپس انجام تمرین‌های درمانی با فرزند تا چه اندازه می‌تواند دشوار باشد؛ زیرا در پایان روز، هم شما خسته هستید و هم فرزندتان پس از گذراندن یک روز شلوغ در مدرسه احساس فرسودگی می‌کند. در چنین شرایطی، طبیعی است که آخرین کاری که هر والدی تمایل دارد انجام دهد، آغاز فعالیتی باشد که احتمال می‌دهد کودک در برابر آن مقاومت نشان دهد. حتی برای من که کاردرمانگر کودکان هستم نیز این موضوع یک چالش واقعی به‌شمار می‌آید؛ به‌ویژه در زمانی که تمرین‌های خانگی برای فرزندم به صورت یک تکلیف خسته‌کننده» درآید، زیرا در این حالت انجام دادن آن‌ها دشوارتر می‌شود. از سوی دیگر، هنگامی که دلیل و هدف انجام یک فعالیت را به‌طور کامل درک نکنم، انگیزه من برای پیگیری و انجام آن تمرین‌ها نیز کاهش پیدا می‌کند. در واقع، تجربه نشان می‌دهد که مؤثرترین برنامه‌های درمانی آن‌هایی هستند که با بازی، نشاط و کاوشگری همراه باشند؛ برنامه‌هایی که کودک بتواند در فضایی فعال و پویا با آن‌ها درگیر شود. حقیقت این است که طراحی یک برنامه خانگی موفق، برنامه‌ای که بتوان آن را به‌سادگی و به‌طور عملی در محیط خانه اجرا کرد، مستلزم بهره‌گیری از خلاقیت و نیز دریافت راهنمایی حرفه‌ای است.

کودکان به‌طور طبیعی از راه بازی و تکرار یاد می‌گیرند، و بنابراین مؤثرترین مداخلات درمانی آن‌هایی هستند که این دو عنصر را در محیط طبیعی زندگی کودک، یعنی خانه او، وارد می‌کنند. برای آن‌که یک تیم درمانی بتواند برنامه‌های خانگی کارآمد و قابل اجرا طراحی کند،

ضروری است که والدین و درمانگران در تدوین طرح درمان با یکدیگر همکاری مستقیم داشته باشند. درمانگران زمانی می‌توانند روند رشد و پیشرفت کودک را به‌صورت مؤثرتری هدایت کنند که والدین را در فرایند برنامه‌ریزی و اجرای درمان درگیر کنند و همراهی آن‌ها را به‌عنوان بخش اصلی مداخله در نظر بگیرند. در بسیاری از موقعیت‌ها، کودک تنها یک جلسه درمانی هفتگی یا یک‌جلسه در هر دو هفته را به‌صورت انفرادی دریافت می‌کند و در این میان، تعامل والدین و درمانگران بسیار محدود است یا اصلاً رخ نمی‌دهد. هرچند این روش می‌تواند تا حدی سودمند باشد، اما هرگز به اندازه رویکرد مبتنی بر کار تیمی اثربخش نخواهد بود. همان‌گونه که هنگام پاروزدن در یک قایق، هماهنگی و همکاری تمام اعضا باعث می‌شود قایق با سرعت بیشتر و انرژی کمتر به مقصد برسد، در فرایند درمان نیز زمانی بهترین نتیجه حاصل می‌شود که همه افراد دخیل در مراقبت از کودک—به‌ویژه والدین و درمانگران—در کنار یکدیگر و در یک مسیر مشترک فعالیت کنند.

والدین، به‌عنوان نخستین آموزگاران کودک و اثرگذارترین افرادی که می‌توانند او را ترغیب و هدایت کنند، در موقعیت بسیار مناسبی قرار دارند تا توصیه‌های حرکتی را در طول هفته و در جریان فعالیت‌های روزمره کودک وارد کنند. با این کار، آن‌ها هم تکرار موردنیاز برای یادگیری و تثبیت مهارت‌ها را فراهم می‌سازند و هم می‌توانند به‌روشنی تشخیص دهند کدام مداخلات اثربخشی بیشتری دارند و سپس بازخورد دقیق‌تری به درمانگر بدهند. این روند یکپارچه نه‌تنها فرایند دستیابی به نتایج را سریع‌تر می‌کند، بلکه تعداد جلسات درمانی موردنیاز را نیز کاهش می‌دهد و در نتیجه هزینه کلی درمان برای والدین کمتر می‌شود. علاوه بر این، زمانی

که همکاری میان والدین و درمانگر ضعیف باشد، درمانگر ناچار است تنها بر داده‌هایی تکیه کند که در یک جلسه درمانی انفرادی و در محیطی کنترل‌شده گردآوری شده‌اند؛ داده‌هایی که لزوماً بازتاب‌دهنده مهارت‌هایی نیستند که کودک در زندگی واقعی و در خانه تمرین می‌کند. این فاصله اطلاعاتی می‌تواند موجب شود مداخله‌ای که بالقوه مؤثر و کمک‌کننده است، زودتر از موعد متوقف شود و در نتیجه کودک از مزایای احتمالی آن محروم بماند.

در نخستین کتاب از این مجموعه، مجموعه‌ای از تمرین‌های درمانی ساده و مرحله‌به‌مرحله گردآوری شده است که تمرکز اصلی آن‌ها بر بازتاب مورو، به‌عنوان یکی از نخستین بازتاب‌های اولیه، قرار دارد. این تمرین‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که بتوان آن‌ها را هم در محیط خانه توسط والدین و هم در محیط درمانی توسط متخصصان آموزش‌دیده اجرا کرد. هدف از ارائه این تمرین‌های مرحله‌به‌مرحله آن است که انجام آن‌ها برای والدین و متخصصان روشن، قابل فهم و قابل اجرا باشد و بتوان از آن‌ها در چارچوب برنامه‌های مداخله‌ای مرتبط با بازتاب مورو استفاده کرد. با این حال، اگر شما به‌عنوان والدین قصد دارید از این تمرین‌ها در خانه استفاده کنید، ضروری است پیش از آغاز هر نوع برنامه مداخله‌ای یا پیش از ایجاد هرگونه تغییر در برنامه‌ای که پیش‌تر توسط کاردرمانگر یا پزشک برای کودک شما تنظیم شده است، حتماً با کاردرمانگر یا پزشک کودک خود مشورت کنید. این مشورت به شما کمک می‌کند اطمینان حاصل شود که اجرای تمرین‌ها یا هرگونه تغییر در برنامه درمانی، با وضعیت و نیازهای کودک هماهنگ است.

هدف این راهنما سه‌گانه است:

۱. به‌عنوان منبعی برای ارائه‌دهندگان خدمات مورد استفاده قرار گیرد. این کتاب با هدف فراهم کردن منابعی قابل‌دسترس برای متخصصانی تدوین شده است که در زمینه یکپارچه‌سازی بازتاب مورو فعالیت می‌کنند. در این بخش، توضیحی کوتاه و روشن درباره بازتاب مورو ارائه می‌شود که در آن به زمان بروز این بازتاب در مراحل اولیه رشد، روند یکپارچه‌شدن آن در فرایند رشد عصبی، فواید و کارکردهای آن در رشد کودک، و همچنین نشانه‌ها و پیامدهایی که در صورت غیرفعال نشدن یا خاموش نشدن این بازتاب ممکن است مشاهده شوند، پرداخته شده است. هدف از ارائه این توضیحات آن است که متخصصان بتوانند درک فشرده اما روشن و کاربردی از این بازتاب اولیه و نقش آن در رشد کودک داشته باشند.

۲. ارائه تمرین‌های درمانی ساده و مرحله‌به‌مرحله برای اجرای برنامه‌های خانگی. در این راهنما مجموعه‌ای از تمرین‌های درمانی ساده ارائه شده است که به‌صورت مرحله‌به‌مرحله طراحی شده‌اند تا اجرای آن‌ها در محیط خانه امکان‌پذیر و قابل فهم باشد. این تمرین‌ها در قالب یک مجموعه انتخابی از فعالیت‌های درمانی تنظیم شده‌اند و برای هر یک از آن‌ها هدف مشخصی تعریف شده است. علاوه بر این، در کتاب راهنمایی برای پایش و پیگیری پیشرفت در برنامه خانگی نیز ارائه شده است تا روند انجام تمرین‌ها و میزان پیشرفت کودک قابل مشاهده و ثبت باشد. برای هر فعالیت، توضیحی ساده و روشن نیز آورده شده است که بیان می‌کند این فعالیت دقیقاً چیست و چرا برای پاسخ دادن به یک نیاز یا هدف خاص انتخاب شده است.

۳. فراهم کردن یک راهنمای آموزشی ساده و قابل استفاده برای والدین و آموزگاران. مؤثرترین مداخله زمانی شکل می‌گیرد که فعالیت‌ها و تمرین‌های درمانی تنها به محیط درمانی محدود نمانند، بلکه به خانه و کلاس درس نیز منتقل شوند و در آن محیط‌ها ادامه یابند. هنگامی که تمرین‌هایی انتخاب می‌شوند که یادگیری آن‌ها آسان و اجرای آن‌ها سریع باشد، امکان فراهم شدن تکرار و ثبات لازم در تمرین‌ها بیشتر می‌شود و در نتیجه، دستیابی به نتایج نیز سریع‌تر رخ می‌دهد. در این چارچوب، والدین و ارائه‌دهندگان خدمات می‌توانند با استفاده از نمودارهای پیش‌پیشرفت که در بخش پیوست کتاب ارائه شده‌اند، در مسیر دستیابی به یک هدف مشترک با یکدیگر همکاری کنند و روند اجرای تمرین‌ها و پیشرفت کودک را به صورت مشترک دنبال نمایند.

این برنامه به هیچ وجه نقش توصیه پزشکی ندارد و هدف از ارائه آن نیز چنین برداشتی نیست. اجرای این برنامه تنها زمانی معتبر و درست است که با همراهی و زیر نظر یک ارائه‌دهنده خدمات آموزش دیده و واجد صلاحیت انجام شود تا روند اجرا به شکل صحیح و ایمن پیش برود.

این راهنما همچنین برای تشخیص هیچ نوع اختلال یا بیماری طراحی نشده است و نباید در جایگاه ابزار تشخیصی مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، این کتاب جایگزین برنامه‌های درمانی دیگر مربوط به یکپارچه‌سازی بازتاب‌ها نیست و نمی‌تواند نقش برنامه‌های درمانی موجود یا توصیه‌های متخصصان را بر عهده بگیرد.

بازتاب‌های اولیه چیست؟

بازتاب‌ها، الگوهای حرکتی طبیعی و غیرارادی هستند که به‌طور ذاتی در بدن انسان وجود دارند و نقش مهمی در یادگیری حرکتی و یکپارچگی حسی ایفا می‌کنند. یادگیری حرکتی، یک توانایی عصب‌شناختی است که به فرد امکان می‌دهد مهارت‌های حرکتی جدید را از طریق تمرین مداوم و تکرار بیاموزد و در آن‌ها به تدریج ماهر شود. یکپارچگی حسی نیز توانایی ذهن و بدن برای دریافت اطلاعات درونی و بیرونی از طریق حواس، و سپس یادگیری، پاسخ‌دهی و سازگار شدن بر اساس این اطلاعات است. حواس ما شامل مواردی مانند بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی، لامسه، حس دهلیزی (حس مربوط به حرکت و تعادل) و حس عمقی (آگاهی از وضعیت و موقعیت بدن) هستند، اما فقط به این موارد محدود نمی‌شوند. این حواس به ما کمک می‌کنند محیط اطراف و وضعیت بدن خود را درک کنیم و بر اساس آن واکنش مناسب نشان دهیم.

بازتاب‌های اولیه الگوهای حرکتی غیرارادی هستند که از زمان تولد در نوزاد وجود دارند و به‌طور طبیعی پیش از آنکه کودک به سن ۱۲ ماهگی برسد، به حالت نهفته درمی‌آیند یا یکپارچه می‌شوند. بیشتر این بازتاب‌ها پس از پایان دوره نوزادی در الگوهای حرکتی گسترده‌تر ادغام می‌شوند و همین فرایند به کودک اجازه می‌دهد به تدریج حرکات ارادی‌تر، کنترل‌شده‌تر و پخته‌تر را نشان دهد. با این حال، در برخی موارد ممکن است این بازتاب‌ها به‌طور کامل یکپارچه نشوند و در نتیجه با توانایی کودک برای شکل‌دادن به یک پایه مناسب از ثبات و تحرک تداخل ایجاد کنند. هنگامی که چنین وضعیتی رخ می‌دهد، کودکی که بازتاب‌های اولیه

او یکپارچه نشده‌اند ممکن است به تدریج الگوهای حرکتی نادرست و ناسازگارانه را فرا بگیرد (اودن، ۲۰۰۴). درمانگران آموزش دیده می‌توانند این پاسخ‌های نادرست را از طریق شیوه واکنش نشان دادن، رفتار کردن و حرکت کردن کودک مشاهده و شناسایی کنند. یکی از روش‌های مؤثر برای پرداختن به این تداخل در فرایند یکپارچه‌سازی بازتاب‌ها آن است که به کودک کمک شود فعالیت‌هایی را دوباره تجربه و بازآفرینی کند که یک کودک با رشد معمول به‌طور طبیعی برای یکپارچه‌سازی بازتاب‌ها انجام می‌دهد. در این چارچوب، تکرار تمرین‌های درمانی اهمیت اساسی دارد، زیرا این تکرار به کودک فرصت می‌دهد بار دیگر فرایند یکپارچه‌سازی را تجربه کند و در نتیجه ارتباط میان مغز و بدن دوباره سازمان‌دهی و تقویت شود.

رشد و تحول حرکتی و عصبی کودکان از بنیادی‌ترین حوزه‌های مورد توجه در علوم توان‌بخشی، به‌ویژه در کاردرمانی، به شمار می‌آید. در این میان، بازتاب‌های اولیه نقشی اساسی در شکل‌گیری پایه‌های اولیه رشد حرکتی، سازمان‌یابی دستگاه عصبی و فرایند یکپارچگی حسی ایفا می‌کنند. این بازتاب‌ها که به‌طور طبیعی در دوره نوزادی ظاهر می‌شوند، بخشی از سازوکارهای زیستی اولیه برای بقا، سازگاری و آغاز یادگیری حرکتی هستند و به‌تدریج در مسیر رشد طبیعی کودک در الگوهای حرکتی ارادی و پیچیده‌تر یکپارچه می‌شوند. با این حال، در برخی کودکان ممکن است این بازتاب‌ها به‌طور کامل یکپارچه نشوند و تداوم آن‌ها پیامدهایی در حوزه‌های مختلف رشد، از جمله تنظیم هیجانی، کنترل حرکتی، توجه، یادگیری و عملکردهای روزمره به همراه داشته باشد. از این‌رو، آگاهی والدین، آموزگاران و متخصصان از ماهیت این بازتاب‌ها و شیوه‌های حمایت از فرایند یکپارچه‌سازی آن‌ها اهمیت فراوانی دارد.

کتابی که پیش روی خوانندگان قرار دارد، با عنوان «یکپارچه‌سازی بازتاب‌های اولیه از طریق بازی و تمرین»، نوشته کوکب مک‌دونالد، تلاشی ارزشمند برای ارائه رویکردی کاربردی و قابل فهم در زمینه شناخت و یکپارچه‌سازی بازتاب‌ها است. نویسنده با تکیه بر تجربه حرفه‌ای خود در حوزه کاردرمانی کودکان، مجموعه‌ای از توضیحات علمی و در عین حال قابل اجرا را فراهم آورده است تا والدین، آموزگاران و ارائه‌دهندگان خدمات تخصصی بتوانند درک روشن‌تری از این بازتاب و نقش آن در رشد کودک به دست آورند. ویژگی برجسته این اثر آن است که مفاهیم

علمی مربوط به بازتاب‌های اولیه را با فعالیت‌ها و تمرین‌های عملی پیوند می‌دهد و تلاش می‌کند مداخلاتی را معرفی کند که بتوان آن‌ها را در محیط‌های طبیعی زندگی کودک، به‌ویژه خانه و مدرسه، اجرا کرد. یکی از نکات مهمی که در این کتاب مورد تأکید قرار گرفته است، نقش همکاری میان والدین، متخصصان و محیط آموزشی کودک در حمایت از رشد و تحول اوست. در بسیاری از موارد، مداخلات درمانی زمانی اثربخش‌تر خواهند بود که علاوه بر محیط‌های تخصصی، در بستر فعالیت‌های روزمره کودک نیز ادامه پیدا کنند. به همین دلیل، نویسنده تلاش کرده است تمرین‌ها و فعالیت‌هایی را معرفی کند که یادگیری و اجرای آن‌ها ساده باشد و بتوان آن‌ها را در قالب بازی، تعامل و فعالیت‌های روزمره با کودک به کار گرفت. چنین رویکردی می‌تواند به افزایش تکرار تمرین‌ها، تثبیت یادگیری حرکتی و تقویت ارتباط میان مغز و بدن کمک کند.

ترجمه این اثر با هدف فراهم کردن منبعی قابل دسترس برای دانشجویان، متخصصان حوزه توان‌بخشی، کاردرمانگران، آموزگاران و والدین انجام شده است تا مخاطبان فارسی‌زبان نیز بتوانند از محتوای علمی و کاربردی آن بهره‌مند شوند. امید است انتشار ترجمه فارسی این کتاب بتواند گامی کوچک در جهت افزایش آگاهی درباره نقش بازتاب‌های اولیه در رشد کودکان و نیز توسعه رویکردهای مبتنی بر فعالیت و بازی در مداخلات توان‌بخشی باشد و زمینه‌ای فراهم آورد تا والدین و متخصصان با همکاری و درک مشترک، از فرایند رشد و یادگیری کودکان حمایت مؤثرتری به عمل آورند.

فصل ۱

مزایای بازتاب‌ها



بازتاب‌های اولیه، الگوهای حرکتی غیرارادی هستند که توسط ساقه مغز کنترل می‌شوند و بدون نیاز به مشارکت بخش قشری یا آگاهانه مغز انجام می‌گیرند. این بازتاب‌ها در دوره جنینی شکل گرفته و قبل از رسیدن کودک به سن حدود ۱۲ ماهگی، به مرور زمان یکپارچه و ناپدید می‌شوند. این گروه از بازتاب‌ها شامل بازتاب مورو^۱، بازتاب گونه^۲، بازتاب چنگ زدن کف دستی^۳، بازتاب انقباض نامتقارن گردن، بازتاب گالانت نخاعی^۴، بازتاب تونیک لایبرنتی^۵ و بازتاب انقباض متقارن گردن می‌باشند.

بازتاب‌های اولیه نقش حیاتی در فرآیند زایمان ایفا می‌کنند و برای بقای نوزاد در طول سال اول زندگی ضروری هستند. نوزادان به‌طور غریزی از طریق این بازتاب‌ها با محیط اطراف خود تعامل برقرار می‌کنند. این مجموعه از بازتاب‌ها به نوزاد کمک می‌کند تا از کانال زایمان عبور کند، اولین تنفس را انجام دهد، به‌صورت ناخودآگاه از محرک‌های تهدیدآمیز دوری کند، عمل دفع ادرار را انجام دهد، حرکت سینه‌خیز را آغاز کند، اشیا را بگیرد، سرش را بلند کند، دهانش را باز کند، عمل مکیدن و بلع را انجام دهد و پاهایش را لگد بزند. هر کدام از این بازتاب‌های اولیه مزایای منحصر به فردی دارند و به عنوان پایه‌ای برای الگوهای حرکتی آینده نوزاد و درک حسی او از جهان عمل می‌کنند. در نتیجه، این بازتاب‌ها بر رشد عاطفی نوزاد نیز تأثیر می‌گذارند. در یک مغز سالم با رشد طبیعی، نوزاد به تدریج این بازتاب‌ها را یکپارچه می‌کند و آن‌ها به حالت غیرفعال درمی‌آیند تا زمینه را برای رشد بازتاب‌های پیشرفته‌تری به نام بازتاب‌های

1 - Moro Reflex

2 - Rooting Reflex

3 - Palmar Grasp Reflex

4 - Spinal Galant Reflex

5 - Tonic Labyrinthine Reflex یا TLR



وضعیتی^۱ فراهم کنند.

بازتاب‌های وضعیتی به عنوان الگوهای پاسخ‌دهی تکامل یافته، مسئول کنترل تعادل، هماهنگی حرکتی و رشد حسی-حرکتی هستند. این بازتاب‌ها پس از مرحله بازتاب‌های اولیه ظاهر می‌شوند و در صورتی که بازتاب‌های اولیه به درستی یکپارچه نشده باشند، می‌توانند اختلالاتی در روند رشد کودک ایجاد کنند. مداخله در بازتاب‌های وضعیتی کودک زمانی با چالش مواجه می‌شود که یکپارچه‌سازی بازتاب‌های اولیه به طور کامل در مغز انجام نشده باشد. به همین دلیل ضروری است که درمانگران برای ایجاد پایه‌های محکم رشدی، فرآیند درمان را با ارزیابی دقیق و اجرای برنامه‌های تخصصی برای یکپارچه‌سازی بازتاب‌های اولیه آغاز نمایند.

در مواردی مانند تجربه تروما، اختلالات ژنتیکی، بیماری‌های مزمن، تأخیرهای رشدی یا مشکلات مرتبط با بارداری و زایمان، ممکن است بازتاب‌های اولیه فراتر از دوره طبیعی خود در سیستم عصبی کودک فعال باقی بمانند. وقتی این بازتاب‌ها در زمانی که باید به طور طبیعی مهار شوند، همچنان پابرجا باشند، اصطلاحاً به آنها بازتاب‌های حفظ‌شده^۲ اطلاق می‌شود. این بازتاب‌های حفظ‌شده به تولید الگوهای حرکتی غیرارادی و پاسخ‌های فیزیکی ناخواسته ادامه می‌دهند که این امر منجر به شکل‌گیری مکانیسم‌های یادگیری نادرست می‌گردد. علاوه بر این، با پیشرفت رشد کودک، درک او از جهان به شیوه‌ای نابالغ و نامتناسب با سن رشد می‌کند که می‌تواند به بروز مشکلات رفتاری مختلف بینجامد.

در شرایطی که مغز کودک سالم باشد و روند رشد به شکل طبیعی پیش برود، فرآیند بلوغ و تکامل به صورت خودکار انجام می‌پذیرد. کودک

به ترتیب از الگوهای حرکتی طبیعی و غریزی عبور می‌کند که این سیر تکاملی به مغز در یادگیری و یکپارچه‌سازی بازتاب‌های اولیه کمک شایانی می‌نماید. اما هنگامی که کودک مراحل رشدی استاندارد را طی نکند یا برخی از این مراحل را نادیده بگیرد، نوعی سردرگمی در عملکرد مغز ایجاد می‌شود. به عنوان نمونه، اگر کودکی مرحله سینه‌خیز رفتن^۱ را که نقش حیاتی در یکپارچه‌سازی مغز^۲ دارد، رد کند و مستقیماً از مرحله نشستن به راه رفتن برسد، این جهش در سیر رشدی می‌تواند منجر به اختلال در شکل‌گیری مراحل بعدی رشد گردد؛ مرحله‌ای که برای انجام فعالیت‌های حرکتی پیشرفته‌تر نیازمند هماهنگی دقیق بین نیمکره‌های راست و چپ مغز هستند.

هر مرحله از رشد طبیعی، نقش حیاتی در یادگیری‌های اساسی و تکامل بنیادین کودک ایفا می‌کند، چرا که مغز از هر یک از این مراحل به عنوان پایه‌ای برای رشد بعدی استفاده می‌نماید. بر همین اساس، یک درمانگر متخصص می‌تواند بازتاب‌های حفظ‌شده را با بازآفرینی مسیر طبیعی رشد و تقلید فعالیت‌ها و حرکاتی که کودک در مراحل قبلی رشد خود یا به کلی از دست داده یا به شکل ناقص انجام داده است، یکپارچه سازد. این روند درمانی به بازسازی^۳ عملکردهای مغزی کمک شایانی می‌کند و مسیر رشد طبیعی را برای کودک هموار می‌سازد.

1 - crawling

2 - brain integration

3 - remediation